

عملیات کربلای پیروزی استراتژیک - تحلیل استراتژیک

دکتر حسین علایی

بزرگ رادر طول یک سال میسر می ساخت. هر ساله امکانات و تجهیزات لازم جمع آوری و نیروها بسیج می شدند تا یک عملیات سرنوشت ساز تدارک دیده شود. در اواخر سال ۱۳۶۵ سپاه یک صد هزار نفری حضرت محمد(ص) از بسیجیان داوطلب مردمی برای انجام عملیات بزرگی عازم جبهه ها شدند.

در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۳۰ عملیات سرنوشت ساز کربلای ۴ در جنوب شهر خرمشهر -مقابل شهر آبادان و آن سوی جزیره مینو - برای تصرف جزیره ام الرصاص و ابوالخصیب عراق -۱۲ کیلومتری جنوب بصره -از طریق عبور از اروندرود انجام شد ولی به پیروزی و نتیجه مورد نظر نرسید.

فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیا(ص) - مرکز عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - دو هفته قبل از عملیات کربلای چهار احساس کرده بود که دشمن تا حدی از انجام این عملیات مطلع شده است. وقتی یگان ها در شب عملیات برای شکستن خط اول دشمن دست به کار شدند، معلوم شد که دشمن کاملاً هوشیار و مجهز و مهیا بوده و آماده رویارویی با رزمندگان اسلام است. فرمانده کل سپاه پس از اطمینان از اینکه ادامه عملیات و تهاجم، موفقیت چندانی نخواهد داشت - با وجود آنکه برخی از یگان ها توانسته بودند از اروندرود عبور کرده،

مقدمه:

بیست سال از انجام عملیات کربلای ۵ و نیز حدود هجده سال از پایان جنگ تحمیلی می گذرد. اکنون فرصت مناسبی است تا مسائل جنگ از ابعاد گوناگون مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در این گونه بررسی ها ضمن بحث پیرامون پیروزی ها، رشادت ها، شجاعت ها و فداکاری های بسیار مهم و غرور آفرین ضروری است سایر مسائل اساسی جنگ شامل: شرایط دشمن، فشارهای وارد شده بر رزمندگان اسلام، مردم و کشور و... در هر عملیات به صورت جداگانه و نیز با هم، مورد توجه و ارزیابی قرار گیرد تا وقایع جنگ به صورت جامع تر و واضح تر برای همگان روشن شود. تا کنون بیشتر به جلوه های حماسی جنگ پرداخته شده و کمتر ابعاد گوناگون هر عملیات به شکل تحلیلی مورد بررسی، ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این نوشته سعی شده است به نقاط قوت و ضعف در فرآیند تصمیم گیری تا اجرای عملیات کربلای ۵ و نیز مشکلات و شرایط سخت آن دوران نگاهی هر چند مختصر افکنده شود.

نگاهی به رابطه میان عملیات های کربلای ۴ و ۵

توان رزمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در دوران پایانی جنگ تحمیلی، فقط امکان انجام یک عملیات

کشور و شرایط سیاسی - نظامی جنگ به یک عملیات بزرگ موفق نیاز داشت تا هم دشمن را در موضع پدافندی نگه دارد و هم راه را برای تلاش های سیاسی مسئولان کشور برای پایان دادن به جنگ تحمیلی هموار کند. همچنین با انجام چنین عملیات بزرگی به تهاجمات دائمی دشمن در حمله به تأسیسات نفتی ایران و مردم بی پناه در شهرهای مختلف کشور پاسخ محکمی داده می شد.

خطوط اول دشمن را شکسته و تا حدودی پیشروی کرده و حتی قسمتی از منطقه ابوالخسیب را نیز تصرف کرده بودند - ادامه عملیات را متوقف کرد و در اوایل صبح روز اول عملیات به نیروها دستور بازگشت داد. تا غروب همه لشکرها و تیپ های تک کننده به مواضع قبلی خود بازگشتند. در واقع نشن اطلاعاتی، حضور جاسوس های دشمن در منطقه و اطلاعاتی که دشمن از ماهواره های خارجی گرفته بود، از عمده عوامل عدم موفقیت در عملیات کربلای ۴ بود. سردار احمد سوداگر معاون اطلاعات قرارگاه اصلی عمل کننده (قدس) - می گوید: من در حین عملیات کربلای ۵ کالکی را از یکی از سنگرهای دشمن در جزیره بوارین پیدا کردم و نشان فرمانده سپاه دادم و گفتم که این کالک، نقشه عملیات خودمان و مربوط به طرح عملیاتی کربلای ۴ می باشد که به زبان عربی نوشته شده است. در آن هنگام یکی از کالک های خودمان نیز همراه بود و آن را در کنار کالک پیدا شده گذاشتم و دیدم بسیار شبیه به هم هستند. در کالک پیدا شده، نام همه لشکرها و یگان های عمل کننده سپاه در عملیات کربلای ۴ نوشته شده بود. مفهوم یافتن آن کالک از سنگر دشمن این بود که در عملیات کربلای ۴، فردی اطلاعات را برده و به ارتش بعثی داده است. البته بعداً معلوم شد که این کالک، نقشه مربوط به برنامه ریزی های دو دوره پیش از طراحی عملیات کربلای ۴

است و سه ماه با تصمیم نهایی و نقشه قطعی عملیات فاصله دارد.^(۱)

لازم به ذکر است که برای شناسایی، برنامه ریزی و طراحی عملیات کربلای ۴، و نیز برای بازسازی و تجهیز لشکرها و تیپ های سپاه بیش از هشت ماه وقت صرف شده بود تا آمادگی لازم برای اجرای عملیات به وجود آید. پس از ناکامی در عملیات کربلای ۴ تصمیم گرفته شد که با انجام اقداماتی به دشمن نشان داده شود که عملیات اصلی سالانه ایران، همین نبرد بوده که به شکست انجامیده است. البته همین طور هم بود و دشمن هم درست فهمیده بود، ولی دشمن متوجه نشد که ایران در صدد است که از این عدم موفقیت، به عنوان مقدمه ای برای یک پیروزی جدید در عملیات آینده استفاده کند. رسانه های تبلیغاتی ایران هم در آن زمان، این تلقی اشتباه دشمن را تقویت کردند و عملیات کربلای ۴ را نبردی خواندند که ضربات مهلکی بر دشمن وارد کرده و آن را تهاجمی مهم و تعیین کننده به شمار آوردند. سپاه در این شرایط، بلافاصله خود را برای طراحی مجدد و اجرای عملیات در نیمی دیگر از منطقه عملیاتی نبرد کربلای ۴ - یعنی محور شلمچه تا کانال ماهی - آماده کرد. در واقع می توان گفت شاید اگر عملیات کربلای ۴ موفق می شد، عملیاتی تحت عنوان کربلای ۵ انجام نمی شد، عملیاتی که مرحله دوم و یا نیمه دیگر عملیات کربلای ۴ بود.

کشور و شرایط سیاسی - نظامی جنگ به یک عملیات بزرگ موفق نیاز داشت تا هم دشمن را در موضع پدافندی نگه دارد و هم راه را برای تلاش های سیاسی مسئولان کشور برای پایان دادن به جنگ تحمیلی هموار کند. همچنین با انجام چنین عملیات بزرگی به تهاجمات دائمی دشمن در حمله به تأسیسات نفتی ایران و مردم بی پناه در شهرهای مختلف کشور پاسخ محکمی داده می شد.

با تجزیه و تحلیلی که صورت گرفت، در قرارگاه این گونه جمع بندی شد که:

۱- تصور رژیم صدام از عملیات کربلای ۴، همان عملیات

سالانه ایران بوده که ناکام مانده است.

۲- با اطلاعات کسب شده از دشمن مشخص شد که ارتش بعثی، فرماندهان خود را به مرخصی فرستاده و خیالش از ادامه نبرد راحت شده است.

۳- با توجه به اینکه دشمن تمامی قوای احتیاط خود را در منطقه عملیاتی کربلای ۴ و در جنوب اروندرود مستقر کرده است چنانچه رزمندگان اسلام عملیات جدیدی در منطقه شلمچه انجام دهند، انتقال نیروهای دشمن به منطقه جدید درگیری، احتیاج به زمان خواهد داشت برای این جابه جایی دو هفته زمان پیش بینی می شد در آن هنگام علائمی از جابه جایی نیروهای دشمن به منطقه عملیاتی کربلای ۵- محور شلمچه - وجود نداشت.

فرمانده کل سپاه با توجه به جمع بندی فوق به این نتیجه رسید که می توان برای تصرف منطقه شلمچه و نفوذ به مواضع دشمن در شرق بصره عملیاتی را با طراحی جدید برنامه ریزی و با سرعت اجرا نمود و اجازه تغییر شرایط را به دشمن نداد. بدین ترتیب عملیات کربلای ۵ برای وارد کردن ضربات نظامی تعیین کننده به دشمن و انهدام قوای وی طرح ریزی گردید.

چون این عملیات در خاک دشمن انجام می شد، تصور بر این بود که می تواند سرنوشت ساز باشد و صدام را به پذیرش خواسته ها و شرایط ایران برای پایان بخشیدن به جنگ تحمیلی وادار کند. طبیعتاً پذیرش شرایط ایران از سوی صدام به معنی سقوط سیاسی رژیم بعثی عراق به حساب می آمد.

اهداف عملیات

همیشه پیش روی به سوی بصره از زمان طراحی عملیات بیت المقدس تا پایان عملیات کربلای ۵ - که جنگ در خوزستان و جبهه جنوب به بن بست رسید - جزء استراتژی نظامی ایران بوده است. همیشه رسیدن به دروازه های بصره برای ایران به عنوان "هدف استراتژیک جنگ" مطرح بوده است و پس از آنکه جنگ به خاک دشمن کشانده شد این هدف، اهمیت بیش تری پیدا کرد.

عملیات کربلای ۵ یکی از سلسله نبردهایی بود که برای

پایان دادن به جنگ تحمیلی، طراحی و اجرا شد. هدف این عملیات، تصرف یکی از مناطق استراتژیک دشمن بود تا صدام را به نشستن در پای میز مذاکره مجبور کند و جنگ با برتری ایران خاتمه یابد.

نزدیک شدن به شهر بصره - به عنوان دومین شهر بزرگ عراق - فشارهای سیاسی بزرگی را بر دشمن تحمیل می کرد. انهدام وسیع از ارتش بعثی با توجه به در اختیار داشتن شهر بندری فاو توسط ایران، جنوب عراق را با خطر جدی جداسازی مواجه می ساخت. بنابراین هدف اصلی عملیات این بود که ایران بتواند با ایجاد فشار نظامی بر روی رژیم صدام، امتیازات سیاسی مشخصی را به دست آورد تا ضمن احقاق حقوق ملت، تضمینی برای صلح پایدار به دست آورد. در آن مقطع زمانی عملیات نظامی موفق، اهرمی مؤثر برای وارد آوردن فشار در مذاکرات سیاسی محسوب می شد.

در آن دوران این چنین ارزیابی می شد که با تصرف منطقه شلمچه و نزدیک شدن به شهر بصره - به عنوان دومین شهر بزرگ عراق و مهم ترین مرکز نفتی آن کشور - می توان شرایطی را فراهم آورد تا امتیازات سیاسی مناسبی از دشمن کسب شود. پیش روی در محور شلمچه - به دلیل نزدیکی آن به شهر بصره - موجب نگرانی رژیم بعثی و درگیر شدن بخش زیادی از ارتش آن در این منطقه می شد که می توانست تلفات مهمی را بر دشمن وارد سازد.

اهمیت و سیر طراحی عملیات

زمین منطقه عملیات کربلای ۵ در شرق بصره دارای ارزش استراتژیکی زیادی می باشد و شلمچه، کلید فتح بصره به شمار می رفت. از نظر اهمیت نظامی و سیاسی یک کیلومتر پیش روی در محور شلمچه برابر با ۱۰ کیلومتر پیش روی در نقاط دیگر - مانند محور فکه - ارزش داشت. زمین منطقه عملیات کربلای ۵ از ارزش نظامی و سیاسی فراوانی برخوردار بود. ایران از تابستان ۱۳۶۱ تا اواخر سال ۱۳۶۵ عملیات های گوناگونی را در منطقه عمومی بصره انجام داد تا بتواند فشار تعیین کننده ای را بر رژیم صدام حسین وارد نماید و جنگ را به سرانجام مطلوبی

برسانند.

عملیات رمضان در شرق بصره و در سال ۱۳۶۱، عملیات های خیبر و بدر در آب های هورالهویزه و جزایر جنوبی و شمالی مجنون در سال های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳، عملیات والفجر ۸ در جزیره فاو در سال ۱۳۶۴ و عملیات کربلای ۵ در دی ماه ۱۳۶۵ همگی نبردهایی بودند که در اطراف منطقه بصره انجام شدند. البته دشمن هم به اهمیت این ناحیه واقف بود و همه تدابیر لازم را برای دفاع مطمئن از این منطقه اندیشیده بود. به دلیل آنکه از نظر دسترسی محور شلمچه نسبت به سایر مناطق به بصره نزدیک تر بود، لذا این محور مواصلاتی برای دشمن اهمیت بیش تری داشت.

ارتش بعثی با به کارگیری توان مهندسی خود استحکامات بیش تری در آن ایجاد کرده و یگان های قوی تری را نیز برای پدافند آن محور به کار گرفته بود. تراکم یگان های دشمن در این محور نسبت به سایر مناطق عملیاتی بسیار بیشتر بود.

پس از پایان عملیات بدر در اواخر اسفند ۱۳۶۳ قرار شد که سپاه و ارتش هر کدام جدای از یکدیگر، عملیات های مستقلی را انجام دهند. تا قبل از آن عملاً سپاه و ارتش در قرارگاه های مشترک و در کنار یکدیگر به اجرای عملیات می پرداختند، ولی به دلیل اختلاف دیدگاه های آنها استراتژی نظامی و نیز اجرای تاکتیک های متفاوت توسط طرفین، این تغییر در مدیریت جبهه ها و نحوه طراحی عملیات ایجاد گردید.

البته در این دوران ستادی که بتواند این دو سازمان را در صحنه عملیات در کنار یکدیگر و با طرح عملیاتی مشترک و مورد توافق طرفین، به کار گیرد نیز وجود نداشت. اجرای عملیات کربلای ۵ از جمله نبردهایی بود که مستقل از مدیریت و یگان های تک و ارتش، در دستور کار سپاه قرار گرفت.

وضعیت و شرایط جبهه ها قبل از عملیات کربلای ۵

۱- دشمن در اوج قدرت نظامی خود بود.

۲- شوروی با تحویل هواپیماهای مدرن میگ ۲۵ و سوخوی ۲۲ و اطلاعات ماهواره ای و امریکا با تحویل بال گردهای ترابری، اعتبارات مالی، اطلاعات ماهواره ای و نیز

بر عهده گرفتن امنیت عبور کشتی های حامل کالا به عراق از طریق خلیج فارس و فرانسه با تحویل هواپیماهای میراژ- ۱۴- ۲۰۰۰ و بمب های لیزری و سایر کشورهای اروپایی از جمله آلمان با تحویل سلاح های شیمیایی و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نیز با دادن کمک های مالی وسیع، صدام را به صورت همه جانبه پشتیبانی می کردند.

۳- دشمن در اکثر جبهه های جنگ علاوه بر استفاده از انواع گازهای خردل، در ترکیب سلاح های شیمیایی خود از گازهای کشنده سیانور نیز استفاده می کرد. افرادی که در معرض این گاز قرار می گرفتند بلافاصله به شهادت می رسیدند.

۴- دشمن جنگ شهرها را به عنوان اقدامی برای ایجاد فشار سنگین به مردم حامی رزمندگان، گسترش داده بود و حتی شهرهای مرکزی و دور ایران را نیز با حملات مداوم موشک های دوربرد و بمب باران هواپیماهای خود مورد تهاجم قرار می داد. فقط در یکی از بمباران های دشمن در شهر کرمانشاه، هفتاد دو نفر از مردم به شهادت رسیدند.

۵- حملات هوایی دشمن به مراکز صنعتی، اقتصادی و نفتی ایران ادامه داشت و با کمک هواپیماهای میراژ فرانسوی، اطلاعات ماهواره ای امریکا و همکاری کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس حمله به نفت کش های حامل نفت ایران نیز تا تنگه هرمز صورت می گرفت.

پس از پایان عملیات بدر در اواخر اسفند ۱۳۶۳ قرار شد که سپاه و ارتش هر کدام جدای از یکدیگر، عملیات های مستقلی را انجام دهند. تا قبل از آن عملاً سپاه و ارتش در قرارگاه های مشترک و در کنار یکدیگر به اجرای عملیات می پرداختند، ولی به دلیل اختلاف دیدگاه های آنها استراتژی نظامی و نیز اجرای تاکتیک های متفاوت توسط طرفین، این تغییر در مدیریت جبهه ها و نحوه طراحی عملیات ایجاد گردید.

۶- ناوگان جنگی امریکا در خلیج فارس به منظور ایجاد مسیر امن برای هواپیماهای عراقی که از طریق خلیج فارس به تأسیسات نفتی ایران حمله می کردند، گسترش بی سابقه ای یافت.

۷- ماجرایی مک فارلین از سوی برخی از افراد در رسانه های خارجی افشا شد و به ناچار، این موضوع به صورت رسمی از سوی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۵/۸/۱۳- در تظاهرات مردم علیه امریکا در مقابل لانه جاسوسی - مطرح گردید. این اقدام در حدود دو ماه قبل از انجام عملیات کربلای ۵، موجب سخت تر شدن موضع دولت امریکا در مقابل جمهوری اسلامی ایران شد.

۸- دعوت کویت - به عنوان یک کشور حامی صدام - از اتحاد جماهیر شوروی برای اسکورت نفت کش هایش منجر به باز شدن پای ابر قدرت ها و ناوگان های خارجی به صورت گسترده در خلیج فارس شد. پس از مدتی همین درخواست نیز از امریکا صورت گرفت و امریکا هم به مرور ناوگان پنجم دریایی خود را در خلیج فارس مستقر کرد.

۹- به دنبال طراحی استراتژی "دفاع متحرک" ارتش بعثی، حملات مختلفی در سراسر جبهه های جنگ و در طول هزار کیلومتر علیه خطوط دفاعی خودی از حاج عمران و پیرانشهر - در شمالی ترین نقطه نبرد - تا جنوبی ترین منطقه - فاو - اجرا گردید.

۱۰- سپاه هم در قالب عملیات های "الفجر" جبهه ها را فعال نگه داشته بود و دو تاسه عملیات هم به نام "فتح" در شهر کرکوک عراق و نقاط دیگر خاک دشمن انجام داد.

۱۱- سپاه قبل از انجام عملیات کربلای ۵، نیروی زمینی خود را تشکیل داد. سپاه برای اولین بار با عنوان نیروی زمینی ، عملیات کربلای ۵ را انجام داد.

علاوه بر این، یگان های سپاه در چند نقطه مهم دیگر از جمله جزایر مجنون و شلمچه هم در حال شناسایی برای ارزیابی امکان حمله از آن نقاط علیه دشمن بودند. همچنین در منطقه دهلران، هور و هر منطقه ای که قابلیت انجام عملیات

محدود را داشت نیز تحرکات محدودی تحت عنوان عملیات های کوچک "قدس" و "عاشورا" از سوی لشکرها و تیپ های سپاه صورت می گرفت.

۱۲- کسری شدید بودجه دولت باعث وارد شدن فشار اقتصادی بر مردم می شد، اگر چه دولت تلاش های فراوانی برای دور نگه داشتن آثار اقتصادی جنگ از زندگی مردم انجام می داد.

۱۳- کاهش درآمدهای نفتی به دلیل کاهش قیمت نفت و نیز کاهش تولید نفت ایران به طوری که صادرات نفت به حدود یک میلیون بشکه در روز کاهش یافت. گفته می شود درآمدهای نفتی ایران در آن سال به هفت میلیارد دلار کاهش یافت.

۱۴- به دلیل تحریم تسلیحاتی ایران، امکان خریدهای نظامی و تهیه نیازمندی های جبهه های نبرد مقدور نیست.

۱۵- دو وزارت خانه دفاع و سپاه مسئول پشتیبانی از جنگ هستند، آنها که اگر چه توسعه صنایع نظامی و تولید موشک های تا برد ۱۵۰ کیلومتر را به ارمغان آورده اند اما تعارضاتی را نیز بر جای گذاشته اند.

۱۶- فشار اقتصادی و تحریم تسلیحاتی ایران از سوی امریکا و اروپا روزه به روز تشدید می شود.

با توجه به نکات فوق، انجام یک عملیات مهم در جبهه های جنگ زمینی ضرورتی اجتناب ناپذیر بود تا ایران بتواند در پاسخ به شرارت ها و تلاش های پیوسته دشمن برای گسترش جنگ در دریا و شهرها، اعلام نماید: سرنوشت جنگ در جبهه های زمینی تعیین می شود و نه در رویارویی با غیر نظامیان و ...

وضعیت اضطراری کشور به لحاظ اقتصادی

دولت در سال ۱۳۶۵ برای مهار بحران های ناشی از جنگ، یک برنامه کوتاه مدت تهیه کرده بود. در سال ۱۳۶۶ هم برنامه محرمانه ای از سوی سازمان برنامه و بودجه تهیه شد که چنانچه امریکا در حمایت از صدام به ایران حمله کرد چگونه معیشت مردم تنظیم، تأمین و اداره گردد.

دولت تلاش می کرد تا آسیب های موجود در حوزه

معیشتی مردم و اقتصاد ایران را به حداقل برساند. در آن زمان به دلیل فقدان منابع کافی، بحث توسعه اقتصادی در کشور مطرح نبود. شرایط اقتصادی و درآمدی در سال ۱۳۶۶ نسبت به سال ۱۳۶۵ بدتر شده بود.

درآمدهای نفتی در سال ۱۳۶۵ به شدت سقوط کرد و ارزش در اختیار دولت به حداقل رسید. کالاهای اساسی و مصرفی مردم و مواد اولیه کارخانجات همه از خارج از کشور وارد می شدند. از مهم ترین مباحث سازمان برنامه و بودجه در این سال، درآمدهای ارزی کشور و نحوه تأمین مواد غذایی و مواد اولیه برای واحدهای صنعتی و جلوگیری از بیکاری ناشی از تعطیلی آن واحدها بود. تمام اقتصاد کشور در حال خوابیدن بود. در آن زمان وضعیت به حدی بغرنج شده بود که دولت مجبور شد حتی لوازم بهداشتی - شوینده مثل صابون و شامپو را کوپنی کند. در وزارت بهداشت این موضوع مطرح گردید که برخی از بیماری ها که بر اساس مدارک سازمان بهداشت جهانی در ایران از بین رفته بود، برخی بیماری ها به دلیل کمبود مواد لوازم بهداشتی در حال شیوع هستند. این موضوع به ویژه از این جهت یکی از نگرانی های دولت وقت بود که بیماری های مزبور قبلاً از بین رفته بودند. چگونگی تأمین گندم، روغن و نیازهای اولیه کارخانه ها از دغدغه های مهم دولت بود.

سال ۱۳۶۵ از بدترین سال ها از نظر درآمدهای ارزی کشور بود، زیرا از یک سو قیمت نفت به زیر هفت دلار کاهش یافت و از سوی دیگر تأسیسات صادرات نفت ایران مورد هجوم هوایی دشمن قرار می گرفت و لذا درآمد کشور به حدود هفت میلیارد دلار رسید. (۲)

دولت در سال بعد در قالب طرحی به نام "بحران" فقط به دنبال تأمین خورد و خوراک و معیشت مردم بود و بقیه منابع را صرف جنگ و نیازهای آن می کرد. بحث سرمایه گذاری، واردات، صادرات و توسعه کاملاً بی معنا بود. منابع به دو قسمت تقسیم شده بودند: یک قسمت برای خورد و خوراک و زنده ماندن مردم و بخشی برای اداره جنگ.

سازمان برنامه و بودجه در همین سال متوجه شد که با

برنامه بحران هم ادامه جنگ امکان پذیر نیست. مسئولان به این نتیجه رسیدند که دیگر هیچ سازگاری بین منابع و ادامه جنگ وجود ندارد، چون جنگ منابع می خواهد.

آقای روغنی زنجانی در سال ۱۳۶۵ نامه ای دستی برای آقای میرحسین موسوی - نخست وزیر وقت - نوشت و در آن استدلال کرد که جنگ را نمی توانیم ادامه دهیم. ایشان نوشته بود که ما دو راه حل در پیش رو داریم: یا جنگ را تمام کنیم و نظام را حفظ کنیم و یا اینکه جنگ را با اهدافی که تعریف کرده ایم ادامه دهیم که نتیجه آن فروپاشی نظام و قهرمانانه کنار رفتن است. این نامه توسط آقای میرحسین موسوی به رویت آقای هاشمی رفسنجانی - فرمانده جنگ - رسید * نامه ای که بعدها در سال ۱۳۶۷ تکمیل تر شد و خدمت امام خمینی (ره) تقدیم گردید و ایشان پس از دریافت این نامه، آتش بس را پذیرفتند.

بررسی دیدگاه های گوناگون در مورد اداره جنگ

مسئولین مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور در سال ۱۳۶۵ دیدگاه های گوناگونی راجع به نحوه اداره جنگ داشتند که به صورت ذیل جمع بندی می شود:

۱- مسئولین اقتصادی معتقد بودند درآمدهای کشور - اعم از درآمدهای نفتی و تولیدی - توان اداره جنگ را با توجه به تخریب های روزافزون آن ندارد.

۲- مسئولین سیاسی کشور فکر می کردند که باید با کسب امتیازاتی از صدام، جنگ را به سرانجامی مطلوب رسانده و با افتخار و سربلندی آن را به پایان برسانند. آنها لازمه این کار را انجام یک عملیات بزرگ، سرنوشت سازی می دانستند تا بتوان با فشار نظامی، از رژیم صدام حسین امتیاز کسب کرد و یا اینکه دنیا را وادار به پذیرش خواسته های ایران نموده و نیز از عدم بروز جنگی مجدد، اطمینان حاصل نمود. **

۳- مسئولین ارتش جمهوری اسلامی ایران احساس می کردند که امکان انجام عملیات تهاجمی برای آنها به دلیل نداشتن نیروهای بسیجی داوطلب و نیز نوع سازمان دهی نیروی زمینی ارتش - که با اتکا به پشتیبانی آتش، قادر به

* توقعات و انتظارات جمهوری اسلامی ایران در سال ششم جنگ عبارت بودند از:

۱- پذیرفتن قرارداد ۱۹۷۵ از سوی حکومت عراق به عنوان منبای برای تعیین حدود مرزی.

۲- تأمین خسارات وارده به ایران از سوی تحمیل کنندگان جنگ.

۳- تنبیه متجاوز با ایجاد یک ساز و کار بین المللی.

** مهندس موسوی درباره نگارش این نامه اظهار بی اطلاعی می کند.

جنگیدن هستند - وجود ندارد. با توجه به اختلاف دیدگاه آنها با سپاه در مورد تاکتیک ها و انتخاب زمین مناسب برای عملیات، انتظار انجام عملیات سرنوشت ساز از سوی آنها متصور نبود.

۴- مسئولین سپاه معتقد بودند با تعیین استراتژی نظامی تا سقوط صدام می باید استراتژی "جنگ کشور را تغییر داد. آنها همچنین معتقد بودند می توان عملیات بزرگ و سرنوشت سازی را انجام داد تا استراتژی جنگ با یک پیروزی به ثمر برسد. آنها فکر می کردند که صدام کسی نیست که از سوی حامیان خود اجازه داشته باشد در مقابل ایران تسلیم شود.

البته موفقیت در هر دو استراتژی، مستلزم تأمین نیازمندی های سخت افزاری جنگ بود که یا از طریق واگذاری تسلیحات ارتش، یا از طریق تجهیز صنایع داخلی کشور برای تولید نیازمندی های تسلیحاتی جنگ و یا از طریق خرید خارجی قابل تأمین بود. البته با توجه به تحریم تسلیحاتی ایران، تأمین نیازمندی ها از خارج از کشور کار مشکلی به نظر می رسید

با تحلیل دیدگاه های فوق می توان نتیجه گرفت که مسئولین مختلف کشور در آن زمان نتوانسته بودند به یک هم دلی و هم نظری در مورد تعیین استراتژی واحد برای چگونگی ادامه نبرد و نیز روش پایان دادن به جنگ برسند و استراتژی غالب که "جنگ تا یک پیروزی" بود با انجام عملیات بزرگ و سرنوشت ساز دنبال می شده است. بدیهی است انجام عملیات کربلای ۵ در راستای این استراتژی قابل تحلیل می باشد.

عملیات فریب قبل از آغاز حمله

اقدام های صورت گرفته قبل از اجرای عملیات کربلای ۵

برای فریب دشمن را می توان به صورت خلاصه چنین بیان کرد:

۱- با اینکه عملیات کربلای ۵ در نیمی از منطقه عملیاتی کربلای ۴ انجام می شد و معمولاً در نام گذاری عملیات های سابق، این نوع عملیات به عنوان مرحله دوم و ادامه عملیات گذشته تلقی می گردید ولی این بار شیوه قبلی در نام گذاری عملیات ها کنار گذاشته شد و این مرحله به عنوان یک عملیات جدید و با اهداف مشخص، مطرح و نام گذاری گردید.

۲- با انتقال یگان های شرکت کننده در عملیات کربلای ۴ به پشت جبهه و به عقبه ها چنین وانمود شد که همچون سایر

عملیات های بزرگ اجرا شده در گذشته، این نیروها به عقب بازگشته و به مرخصی و استراحت رفته اند و عملیات پایان پذیرفته است. البته تجهیزات سنگین یگان ها در مواضع پیش از عملیات باقی ماند. بلافاصله پس از عقب نشینی نیروها از خطوط عملیات کربلای ۴، به آنها اعلام شد که به عقبه های یگانی خود در اهواز بازگردند یعنی حدود

با تحلیل دیدگاه های فوق می توان نتیجه گرفت که مسئولین مختلف کشور در آن زمان نتوانسته بودند به یک هم دلی و هم نظری در مورد تعیین استراتژی واحد برای چگونگی ادامه نبرد و نیز روش پایان دادن به جنگ برسند و استراتژی غالب که "جنگ جنگ تا یک پیروزی" بود با انجام عملیات بزرگ و سرنوشت ساز دنبال می شده است. بدیهی است انجام عملیات کربلای ۵ در راستای این استراتژی قابل تحلیل می باشد.

۱۵۰ کیلومتر از منطقه عملیاتی دور شوند. این اقدام، تکمیل کننده عملیات فریب دشمن بود.

۳- با تبلیغات وسیع رادیو، تلویزیون و رسانه ها به دشمن نشان داده شد که عملیات کربلای ۴ همان عملیات سالانه ایران است که ناکام مانده و به پایان رسیده است.

با توجه به اینکه یگان ها پس از پایان هر عملیاتی نیاز به بازسازی و تجهیز دوباره دارند، لذا دشمن چنین تصور نمود که تا چند ماه دیگر تهاجمی از سوی رزمندگان اسلام صورت نخواهد گرفت.

علاوه بر اقدامات فوق در سایر جبهه ها نیز فعالیت هایی

برای تکمیل عملیات فریب دشمن صورت گرفت:

۱- تشکیل سه قرارگاه عملیاتی در هور، فاو و سومار برای

انحراف ذهنیت دشمن از منطقه عملیات آتی سپاه.

۲- باز کردن معابر دشمن در خطوط پدافندی منطقه فاو

برای نشان سمت تک جدید ایران به دشمن، به منظور انحراف ذهن یگان های وی.

۳- تعویض نیروهای پدافندی در فاو با نیروهای تازه نفس

به عنوان علامتی از احتمال انجام عملیات جدید در این منطقه.

۴- آماده باش واحدهای توپخانه و ادوات خودی در منطقه

فاو به منظور به اشتباه انداختن دشمن.

مفروضات عملیات

۱- امید به موفقیت و پیروزی آن تضمین شده باشد.

۲- اجرای عملیات از نظر نظامی و سیاسی ارزش مند باشد.

۳- از استعداد آماده شده برای عملیات کربلای ۴ در

عملیات جدید استفاده شود.

۴- فاصله زمانی آن با عملیات کربلای ۴ بسیار کوتاه باشد

تا عملیات با سرعت انجام شود.

۵- نیاز به جابه جایی و نقل و انتقال یگان ها به منطقه دیگر

نباشد و از بسترسازی ها و آمادگی های ایجاد شده برای عملیات کربلای ۴ کمال استفاده بشود.

۶- عملیات جدید به عنوان یک عملیات بزرگ و

سرنوشت ساز تلقی گردد.

۷- به اقدامات مهندسی جدید و زمان بر نیاز نباشد.

۸- راه کار مهم و اساسی دیگری غیر از این منطقه برای

عملیات بزرگ در جبهه جنوب وجود نداشته باشد.

۹- دشمن در آن غافل گیر شود.

ویژگی ها و مشکلات عملیات

۱- محدودیت زمین منطقه عملیات و کم بودن وسعت آن

که موجب موثر بودن آتش های دشمن بر روی منطقه تصرف شده و نیروهای رزمنده می گردید.

۲- محدودیت عقبه جهت تدارک نیروها در حین نبرد.

۳- از نظر شدت درگیری و تصمیم طرفین برای موفقیت،

یکی از بزرگ ترین نبردهای دوران مقدس محسوب می گردید.

۴- یگان های تک کننده در این عملیات فقط از سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی بودند و قرار بود ارتش به صورت

مستقل در جای دیگری عملیات انجام دهد. یعنی استقلال

کامل سازمان سپاه از سازمان ارتش در طراحی و اجرای

عملیات مستقل لحاظ شده بود.

۵- دشمن در آن زمان از استراتژی نظامی پدافندی استفاده

می کرد در این استراتژی از زمین به عنوان یک عامل اساسی

برای ممانعت و جلوگیری از تک رزمندگان اسلام استفاده

می شد. دشمن زمین این منطقه را در مدت بیش از چهار سال با

موانع، استحکامات، مواضع دفاعی و میادین مین فراوان به

عنوان یکی از مولفه های مؤثر در پدافند موفق، پوشانده بود.

۶- درون منطقه عملیاتی نیز با عوارض طبیعی و مصنوعی

فراوانی از جمله آب گرفتگی ها، نهرها، کانال ها و خاک ریزها

پوشانده شده بود که مانع عمده ای برای پیش روی نیروها

محسوب می گردید.

۷- دشمن از استحکامات منحصر به فردی در محور

شلمچه برخوردار بود. به دلیل اینکه این مسیر، معبر و وصولی

بصره بود انجام عملیات در آن، جزء مشکل ترین نبردهای

جبهه های جنگ از نظر موانع، آرایش دفاعی و میادین مین به

حساب می آمد. گسترده ترین میادین مین و موانع دشمن در

سراسر جبهه های جنگ در این منطقه وجود داشت. از این رو

کارشناسان نظامی این محور را غیرقابل نفوذ و انجام این

عملیات را کاری عظیم و سترگ می دانستند.

استحکامات و موانع دشمن عبارت اند از:

۱/۷- مواضع هلالی شکل: در درون هر یک از آنها یک دسته

تانک می توانست موضع گرفته و با امنیت خاطر تیراندازی

نماید. اطراف این استحکامات نیز با سیم های خاردار و میادین

مین پوشانده شده بود. قطر هر موضع هلالی شکل ۳۰۰ تا ۴۰۰

متر و ارتفاع آن به ۵ تا ۶ متر می رسید. سطح فوقانی دژهای

هلالی شکل هم ۳ متر عرض داشت که در آن یک کانال

مواصلاتی جهت تردد نیروها احداث گردیده بود و مواضع تیربار و سکوها‌های تانک نیز در آن تعبیه شده بود. در پشت این مواضع برای تردد و استقرار تانک‌ها فضای مناسبی احداث شده بود و تانک می‌توانست با قرار گرفتن در روی مواضع مشخص شده، کل منطقه درگیری را زیر پوشش گلوله مستقیم و تیربار قرار دهد. با توجه به احداث جاده، استحکامات ایجاد شده و هوشیاری و حساسیت دائمی دشمن نسبت به تحرکات نظامی ایران، شکستن خطوط دفاعی منطقه شلمچه و عبور از این مواضع مستحکم و پیچیده، غیر قابل تصور تلقی می‌شد.

۲/۷- ایجاد منطقه آب گرفتگی در شمال منطقه عملیات با کمک رها کردن آب در زمین آن به منظور جلوگیری از عملیات نیروهای پیاده ایران.

۳/۷- مواضع مختلف از جمله سیم خاردار و میدان‌های مختلف مین با عمق حدود ۸۰۰ متر در خط مقدم جبهه شلمچه به طوری که عبور هرگونه نیروی پیاده را غیرممکن می‌ساخت.

۴/۷- دژهای متعدد شمالی - جنوبی به عنوان مانع‌های اصلی در عبور عمده قوای سپاه اسلام.

اولین خط پدافندی دشمن دژی به ارتفاع ۴ متر و عرض ۱۵ متر بود. در میانه این دژ و در طول آن کانالی وجود داشت که در یک سمت آن، سنگرهای بتونی و در سمت مقابل آن، سنگرهای دیده‌بانی و تیربار و زاغه مهمات وجود داشت. تعدادی سنگر تانک نیز در این قسمت احداث شده بود که موجب تسلط دشمن بر منطقه شلمچه می‌گردید.

۵/۷- سنگرهای کمین برای محافظت از مواضع، میادین مین و استحکامات ایجاد شده در بین سایر مواضع موجب تکمیل سیستم مواضع دفاعی دشمن می‌گردید.

۶/۷- دومین خط دشمن به فاصله ۱۰۰ متر از خط اول و به موازات آن احداث شده بود. این خط، سیل بندی به عرض ۲/۵ و به ارتفاع ۴ متر بود که دارای مواضع پیاده، کانال مواصلاتی و مواضع تانک بود.

۷/۷- خط‌های سوم، چهارم و پنجم دفاعی دشمن نیز تانهر

دو عیجی و نهر جاسم با همین شکل و با پیچیدگی بیشتر، آرایش دفاعی دشمن را تشکیل می‌دادند.

۸/۷- رده ششم و هفتم هم شامل کانال زوجی و مثلثی‌های غرب کانال زوجی بود. به علاوه کانال ماهی و پاسگاه بوبیان نیز از استحکامات قابل توجهی برخوردار بودند. دشمن همچنین تعدادی دکل بلند دیده‌بانی هم در غرب اروندرود داشت که هرگونه تردد نیروهای خود را زیر نظر و کنترل داشتند.

دشمن در خط اول خود سلاح‌های ضد هوایی و تعداد زیادی تانک مستقر کرده بود که به ترتیب برای هدف‌های زمینی و به منظور جلوگیری از نفوذ رزمندگان اسلام از آنها استفاده می‌کرد. در جلوی خط اول نیز موانع عظیمی از سیم‌های خاردار، تله‌های انفجاری، کانال، میدان‌های وسیع مین و سنگرهای بتنی وجود داشتند. همچنین سنگرهای استراق سمع و سنگرهای کمین نیز در جلوی خط اصلی قرار داشتند. در مقابل دژها تاده ردیف موانع گوناگون درست کرده بود که فاصله هر دو مانع با هم، ۲۰ تا ۳۰ متر بود. عرض آب گرفتگی ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر بود که به عنوان یک مانع اصلی به حساب می‌آمد. در زیر آب گرفتگی هم مین کاشته شده بود تا عبور هر نوع نیروی پیاده غیرممکن گردد.

استعداد دشمن

در مجموع ۸۶ تیپ دشمن شامل ۶۲ تیپ پیاده، ۱۱ تیپ زرهی، ۸ تیپ مکانیزه و ۵ تیپ نیروی مخصوص در طول عملیات کربلای ۵ وارد این منطقه شدند. قبل از آغاز عملیات حدود ۸ تیپ دشمن به پدافند از این منطقه مشغول بودند و لشکر ۱۱ پیاده مأموریت دفاع از منطقه شلمچه را بر عهده داشت. سپاه سوم به فرماندهی سپهبد طالع خلیل الدوری مسئولیت منطقه را بر عهده داشت که سپاه هفتم هم به کمک می‌کرد. بعداً واحدهای کماندویی سپاه‌های دوم و پنجم از مناطق کوهستانی و سپاه چهارم برای کمک به این سپاه‌ها اعزام شدند. در این عملیات فرمانده سپاه سوم به دلیل شکست برکنار شد. در مجموع دشمن ۲۰ پاتک علیه مواضع رزمندگان اسلام انجام داد که سنگین‌ترین آنها در محور دریاچه ماهی بود.

ارتش بعثی در عملیات کربلای ۵ هر چه در توان داشت علیه رزمندگان اسلام به کار گرفت و از ۱۸۰ تیپ موجود خود در آن زمان، ۱۱۰ تیپ - یعنی حدود دو سوم استعداد ارتش خود - را وارد منطقه نبرد کرد. به طوری که ۳۵۰ اسیر گرفته شده در این عملیات مربوط به ۱۱۰ یگان و تیپ مختلف ارتش بعثی بودند. می توان گفت که شدید ترین و گسترده ترین نبردها در میان ۹۰ عملیات در طول دوران دفاع مقدس، عملیات کربلای ۵ است.

استعداد و توان سپاه پاسداران برای انجام عملیات
۳۰۰ گردان ۵۰۰ نفره برای عملیات کربلای ۴ پای کار آمده بودند* که تنها ۴۰ گردان آن به کار گرفته شدند. حدود ۹۰٪ از این نیروها با آمادگی کامل برای عملیات کربلای ۵ در اختیار قرارگاه مرکزی عملیات بودند. در مجموع سپاه کمتر از ۳۰ یگان خود را در این عملیات به کار گرفت.
در این عملیات سه قرارگاه کربلا، قدس و نجف و ۱۶ لشکر و ۶ تیپ از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حضور داشتند.

تاکتیک سپاه در عملیات کربلای ۵

لشکر ۵۷ ابوالفضل (ع) که از نیروهای استان لرستان تشکیل شده و برای جنگ در مناطق کوهستانی و تصرف ارتفاعات صعب العبور سازمان دهی شده و متخصص عملیات ویژه در ارتفاعات بود، در عملیات کربلای ۴ توانست در منطقه آب گرفتگی پنج ضلعی در شمال شلمچه، نیروهای خود را به جای حمله از شرق به غرب - که شکل آرایش نظامی خود دشمن بود - از شمال به جنوب حرکت دهد؛ یعنی برخلاف جهت مواضع و خطوط دفاعی دشمن حرکت کرد و از منطقه آب گرفتگی به سمت شلمچه پیش روی و دژ مرزی را تصرف نمود. این تاکتیک لشکر ۵۷ ابوالفضل (ع) به فرماندهی سردار ابوالفضل نوری توانست پاشنه آشیل جبهه شلمچه را آشکار

نماید. از سوی دیگر رزمندگان لشکر ۱۹ فجر هم توانستند به بخش هایی از منطقه پنج ضلعی وارد شوند که با پاتک شدید دشمن در همان شب عملیات مواجه شدند. ولی مسیر ورود به پنج ضلعی و نحوه شکستن خط اول دشمن با حمله لشکر ۱۹ فجر به منطقه دشمن مشخص شد. تاکتیک عملیات کربلای ۵ هم بر اساس این نقطه ضعف دشمن طراحی و برنامه ریزی شد و قرار شد که تمام یگان های شرکت کننده در عملیات از این دروازه، به عمق مواضع دشمن نفوذ نمایند.

از آنجایی که این معبر بسیار محدود بود فرماندهی کل سپاه تصمیم گرفت با دو قرارگاه وارد عملیات شود و نیروها به جای اینکه به صورت دشت بان عمل نمایند، یگان های قرارگاه کربلا در جلو قرار گرفته و یگان های قرارگاه نجف از پشت سر قرارگاه کربلا وارد عمل شده و منطقه درگیری را گسترش دهند. لازم به ذکر است که کل مساحت منطقه آب گرفتگی پنج ضلعی، دژ کشف شده و نوک کانال ماهیگیری در حدود ۱۲ کیلومتر مربع - ابعادی در حدود ۳۴ کیلومتر - بود. محدودیت منطقه تعیین شده برای شکستن خط اول دشمن با تراکم انبوه یگان های عمل کننده تناسبی نداشت، ولی چاره ای هم به جز انتخاب این راه کار نبود.

تاکتیک یگان های سپاه را می توان این گونه جمع بندی نمود:

۱- اتخاذ تدابیر مناسب برای اجتناب از مواجهه با استحکامات حجیم، متنوع و گسترده دشمن و پرهیز از انجام تک جبهه ای و تهاجم به مواضع سخت دشمن در شرق شلمچه. دشمن فکر می کرد که سمت تک اصلی رزمندگان اسلام از شرق شلمچه انجام خواهد شد.

۲- حمله به دشمن از سمت آب گرفتگی و پنج ضلعی - از شمال به جنوب و درست عمود بر جهت مواضع آرایش دشمن - یعنی حمله به دشمن از منطقه مورد اعتماد و اطمینان وی و منطقه ای که قبلاً در آن نبردی اتفاق نیفتاده بود و لذا دشمن نسبت به آن حساسیتی نداشت.

۳- تلاش برای باز کردن جاده شلمچه از طریق پشت

*برابر گزارشات موجود ۲۷۰ گردان نیرو وجود داشت که ۴۰ گردان آن به کار گرفته شد.

خطوط جبهه دشمن به منظور پشتیبانی گسترده از نیروهای خط مقدم.

مانور عملیات

با استفاده از آخرین اطلاعات به دست آمده از عملیات کربلای ۴ و شناسایی های انجام شده آن طراحان و فرماندهان عملیاتی سپاه توانستند بیش از ۱۹ راه کار از درون منطقه آب گرفتگی پنج ضلعی -در شمال محور شلمچه- برای نفوذ به جبهه دشمن در شرق بصره، ارائه نمایند. یکی از مشکلات عبور از آب گرفتگی پنج ضلعی، عدم امکان تردد با قایق از درون آن به دلیل وجود جاده ای که در وسط آن ۲۰ سانتی متر زیر آب قرار داشت، بود. این جاده قبلاً با کمک نیروهای اطلاعات و عملیات شناسایی شده بود و قرار شد در آغاز تهاجم، غواص ها در نقاط معینی این جاده را بشکافند و راه هایی را از درون آن برای عبور قایق ها باز نمایند. نقاط شکافته شده جاده را می باید علامت گذاری می کردند. ۱۹ معبر ذکر شده در ۱۲ روز فاصله بین دو عملیات کربلای ۴ و ۵ شناسایی شد و مورد استفاده قرار گرفتند.

از سوی دیگر برای عبور از این آب گرفتگی، تعداد ۱۰۰ دستگاه نفربر زرهی خشایار که می توانست به راحتی از آب گرفتگی عبور کند تهیه شد. تعمیرات مورد نیاز آنها انجام و طی این چند روز برای استفاده در عملیات آماده شدند. البته

عملیات کربلای ۵ نشان داد که ایران می تواند در سخت ترین شرایط، مشکل ترین جبهه ها و از پیچیده ترین موانع عبور کرده و به سوی اهداف مورد نظر پیش روی نماید. در این عملیات، بصره کاملاً در آستانه سقوط قرار گرفت. سپاه پس از این عملیات به این نتیجه رسید که برای انجام عملیات بزرگ و سرنوشت ساز نیاز به تجهیزات جدیدی دارد که بخش عمده ای از این تجهیزات در ارتش موجود است.

تعداد ۵۰۰ دستگاه از این نفربرها بود مورد نیاز که در اختیار قرار نگرفتند.

عملیات کربلای ۵ در غافل گیری دشمن انجام شد. در حین عملیات و پس از به اسارت در آمدن تعدادی از نیروهای دشمن مشخص شد که برخی از فرماندهان ارتش یعنی چند روز پیش از آغاز این عملیات، به مرخصی رفته بودند و برخی دیگر هم فرصت رساندن خود به قرارگاه مربوطه در شب عملیات را نیافتند. حتی برخی از فرماندهان گردان های دشمن فرصت پوشیدن لباس نظامی خود را نیز نیافتند و با لباس شخصی به اسارت درآمدند. آنها می گفتند ما در خانه بودیم که به ما خبر دادند که بصره در تهدید است و ابلاغ کردند که خود را سریعاً به منطقه عملیاتی برسانیم، لذا فرصت آماده شدن پیدا نکردیم.

در دو روز اول به دلیل عدم آمادگی نیروهای دشمن، نبردها خوبی جلو می رفت ولی از روز سوم به بعد آرام آرام، جنگ سختی از سوی دشمن، علیه رزمندگان اسلام شکل گرفت، به طوری که در روز هفتم ارتش یعنی با تمام قدرت و توان خود تلاش کرد تا تمام مناطق تصرف شده را بازپس بگیرد. رزمندگان اسلام تا این لحظه توانستند با عبور از محور شلمچه خود را به ۱۵ کیلومتری شهر بصره برسانند و با عبور از کانال ماهی گیری، در جنوب آن خط پدافندی تشکیل دهند.

در این شرایط شهر بصره و تأسیسات نظامی آن زیر برد آتش توپخانه کوتاه برد ایران قرار گرفت. از روز هفتم نبرد، پاتک های سنگین و بسیار شدیدی از سوی دشمن آغاز شد. این پاتک ها تا ۲۰ شبانه روز ادامه یافت و تقریباً هیچ نقطه ای از شلمچه و منطقه نبرد نبود که مورد اصابت آتش توپخانه و ادوات دشمن واقع نشده باشد. رزمندگان سپاه اسلام توانستند که تا خط نهر جاسم -که آخرین رده دفاعی ارتش یعنی در منطقه عملیات بود - مرحله به مرحله پیش روی کنند و در نهایت به دلیل کمبود یگان پیاده و نیروی زرهی امکان اینکه رزمندگان اسلام گام های بلندتری در پیروزی بردارند میسر نشد. وزیر دفاع وقت عراق - عدنان خیرالله - در مصاحبه ای

تلویزیونی در زمان انجام پاتک‌ها اعلام کرد که مواضع ایران با ۲۰۰۰ قبضه توپخانه سنگین زیر آتش قرار دارد ولی همچنان ایرانی‌ها منطقه تصرف شده را در دست دارند. البته صدام هم حرف او را این گونه توجیه کرد که ایران قصد تصرف شهر بصره را ندارد ولی ارتش بعثی توانسته است با این آتش‌ها آنها را از ادامه پیش‌روی باز دارد؛ بنابراین عدم پیش‌روی بیشتر ایرانیان، خود یک پیروزی بزرگ است. در این زمان شایع شده بود که کارشناسان شوروی و فرانسه در قرارگاه‌های فرماندهی ارتش بعثی حضور یافته و فرماندهان صدام را هدایت می‌کنند. بعد از ۲۰ روز پاتک مداوم، وقتی دشمن نتوانست منطقه را از تصرف رزمندگان اسلام خارج کند و این منطقه پس از یک مقاومت سرسختانه در اختیار ایران باقی ماند، فضای منطقه آرام شد. رزمندگان اسلام نیز توانستند پس از دو هفته از آرامش منطقه، عملیات دیگری را تحت عنوان کربلای ۸ طراحی و اجرا کنند و با استفاده از قوای زرهی خود دو کیلومتر دیگر در همین منطقه پیش‌روی نمایند و خطوط عملیاتی کربلای ۵ را تکمیل نمایند. این اولین باری بود که سپاه از نیروی زرهی خود برای تک‌علیه دشمن استفاده می‌کرد.

ارتش بعثی در عملیات کربلای ۵ هر چه در توان داشت علیه رزمندگان اسلام به کار گرفت و از ۱۸۰ تیپ موجود خود در آن زمان، ۱۱۰ تیپ - یعنی حدود دو سوم استعداد ارتش خود - را وارد منطقه نبرد کرد. به طوری که ۳۵۰ اسیر گرفته شده در این عملیات مربوط به ۱۱۰ یگان و تیپ مختلف ارتش بعثی بودند. می‌توان گفت که شدیدترین و گسترده‌ترین نبردها در میان ۹۰ عملیات در طول دوران دفاع مقدس، عملیات کربلای ۵ است.

شدت آتش دشمن در حین پاتک‌ها به حدی بود که هیچ شیئی بر روی زمین سالم نماند. مقدار گازهای ناشی از پرتاب گلوله‌ها در فضای جبهه به حدی زیاد بود که تنفس را برای رزمندگان مشکل می‌ساخت.

این عملیات نشان دهنده انعطاف‌پذیری سازمان سپاه و اوج خلاقیت و جسارت تصمیم‌گیری این نهاد در شرایط

بحرانی و پذیرش ریسک زیاد بود و در میان ناباوری و غافل‌گیری ارتش بعثی آغاز شد. با اینکه جهت تک، مخالف جهت آرایش دفاعی ارتش بعثی بود ولی نبرد سخت و شدیدی به وقوع پیوست و از آنجا که هر گام پیش‌روی در این زمین، یک قدم به پیش‌روی سوی بصره به شمار می‌رفت لذا ارتش بعثی با تمام توان به مقابله با آن پرداخت.

تاکتیک‌های جنگی دشمن در حین اجرای عملیات

۱- انجام پاتک‌های پیوسته ۱۰ روزه در روزهای آغازین نبرد که از پیش‌روی نیروهای ایرانی جلوگیری کرد. رزمندگان اسلام طی این مدت موفق به تثبیت مواضع تصرفی شده بودند. رزمندگان اسلام در این عملیات، میدان نبرد بسیار سختی را آزمایش کردند. به دلیل آتش بسیار سنگین دشمن، شرایط جبهه به گونه‌ای شده بود که اکثر فرماندهان سپاه از اصابت ترکش استقبال می‌کردند تا از فشارهای دشمن خلاص شوند.

۲- تشکیل مواضع پدافندی جدید در حین عملیات و احداث کانال‌های پشت سر هم به منظور مقابله با ادامه پیش‌روی یگان‌های سپاه.

۳- تهاجم مجدد به خطوط دفاعی رزمندگان اسلام در منطقه کربلای ۵ و انجام آفند متکی بر خطوط پدافندی احداث شده.

نتایج و پی‌آمدهای عملیات

۱- انهدام وسیع بخش زیادی از ارتش بعثی.
۲- شکسته شدن مستحکم‌ترین پر مانع‌ترین و پیچیده‌ترین خطوط دفاعی دشمن در شلمچه و در شرق بصره و تا عمق ۱۰ کیلومتری خاک دشمن.
۳- نزدیک تر شدن به بصره به عنوان دومین شهر مهم عراق و حضور در اطراف آن.

۴- شروع بحث در شورای امنیت سازمان ملل ایجاد مقدمات صدور قطع‌نامه‌ای که تا حدی خواسته‌های ایران را نیز ملحوظ نماید، تا راهی برای برقراری آتش‌بس و پایان بخشیدن به جنگ فراهم شود. لازم به ذکر است که پس از گذشت حدود پنج ماه از این عملیات، قطع‌نامه ۵۹۸ تصویب

شد.

۵- به بن بست رسیدن انجام عملیات بزرگ در جبهه های جنوب.

۶- تصمیم به قطع صدور نفت ایران از سوی صدام و امریکا با گسترده کردن حمله های هوایی و موشکی به اسکله ها و پایانه های نفتی ایران به منظور از بین بردن پشتوانه مالی ایران.

۷- عدم تلقی از پیروزی عملیات کربلای ۵ به عنوان یک پیروزی سرنوشت ساز آئی.

۸- عملیات کربلای ۵ نشان داد که ایران می تواند در سخت ترین شرایط، مشکل ترین جبهه ها و از پیچیده ترین موانع عبور کرده و به سوی اهداف مورد نظر پیش روی نماید. در این عملیات، بصره کاملاً در آستانه سقوط قرار گرفت. سپاه پس از این عملیات به این نتیجه رسید که برای انجام عملیات بزرگ و سرنوشت ساز نیاز به تجهیزات جدیدی دارد که بخش عمده ای از این تجهیزات در ارتش موجود است. بنابراین بعد از عملیات کربلای ۵ آقایان محسن رفیق دوست و غلامعلی رشید خدمت امام خمینی رسیدند و درخواست تجهیزات مورد نیاز را از ارتش نمودند که امام هم موافقت فرمودند ولی عملاً واگذار نشد.

۹- انهدام ۷ فروند بال گرد دشمن.

۱۰- آزادسازی ۱۵۵ کیلومتر مربع از اراضی ایران و عراق: جزایر بوارین، فیاض و ام الرصاص و منطقه شلمچه و شهرک دو عیجی، رودخانه دو عیجی و نهر جاسم.

۱۱- اسارت ۲۶۵۵ نفر اسیر عراقی شامل چهل افسر ارشد، چهل افسر جزء و ۶۰۰ درجه دار.

۱۲- حفظ برتری نظامی ایران در برابر دشمن.

۱۳- عملیات کربلای ۵ بر زمین گیر شدن واحدها و لشکرهای بیشتر سپاه در خطوط دفاعی افزود و به دلیل نیاز به پدافند در سرزمین های تصرف شده در جریان عملیات کربلای ۵ و سایر نقاط قبلاً تصرف شده مثل فاو، خیر و ... امکان آزاد شدن لشکرهای سپاه برای آفند مؤثر کمتر شد و لذا توان یگان های سپاه در خطوط مختلف جبهه تقسیم شد. مثلاً

از یک لشکر، یک تیپ آن در فاو، یک تیپ آن در شلمچه و تیپ دیگر در حلبچه می جنگید. لذا به دلیل گسترش بیش از حد نیروها، توانایی انجام آفند از سوی لشکرهای سپاه کاهش یافت.

۱۴- انهدام کامل ۵۵ تیپ، انهدام پنجاه درصد ۶۷ تیپ، انهدام و آسیب دیدن ۸۷۰ دستگاه تانک، ۱۸۰ قبضه توپخانه صحرایی و ۱۰۰۰ دستگاه خودرو و انهدام و آسیب دیدن ۴۵ فروند هواپیما.

۱۵- به غنیمت گرفته شدن ۲۳۰ دستگاه تانک، ۲۰ قبضه توپ، ۲۰۰ دستگاه خودرو ۱۰۰ دستگاه وسایل مهندسی و ۱۰۰ قبضه توپ ضد هوایی.

۱۶- کشته و زخمی شدن ۹۰۰۰۰ نفر از دشمن.

این عملیات بار دیگر موازنه قوا را به نفع ایران تغییر داد. شکسته شدن خطوط بسیار مستحکم دفاعی دشمن در شلمچه که آن را به "خط بارلو" تشبیه کرده بودند، حاکی از نتیجه بخش نبودن ارسال تسلیحات پیش رفته برای رژیم صدام و نیز در اختیار قرار دادن اطلاعات نظامی ایران به ارتش بعثی بود و علامت ناکامی سیاست امریکا و کشورهای عربی در جلوگیری از شکست ارتش صدام بود. به ویژه آنکه انجام این عملیات حدود یک سال بعد از عملیات تصرف فاو از سوی ایران، مشخص ساخت که قدرت و اقتدار رزمندگان اسلام می تواند جبهه دشمن را در هر شرایطی مورد تهاجم قرار دهد و بر قدرت سلاح، قدرت آتش و قدرت اطلاعات دشمن فائق آید و موازنه را به نفع ایران تغییر دهد. عملیات کربلای ۵ زنگ های سقوط بصره را به صدا درآورد. برخی از تحلیل گران غربی معتقد بودند که یک حمله بزرگ دیگر می تواند شیرازه ارتش صدام را به هم ریخته و جنگ را پیروز مندان به نفع ایران خاتمه دهد. تحلیل گران پنتاگون - که معمولاً عزم، اراده و ابتکار ایرانی ها را در مقابل موانع عظیم دشمن کمتر از آنچه هست ارزیابی می کردند - دیگر احتمال پیروزی بزرگ تر ایران را رد نمی کردند و این با سیاست امریکا در آن زمان، "جنگ بدون برنده و بازنده" هم خوانی نداشت. امریکا پیروزی ایران را

در جنگ تحمیلی یک فاجعه بزرگ می دانست و این نگرانی موجب شد که کمک های بیش تری را در اختیار رژیم صدام حسین قرار دهد و مانع پیش روی بیشتر رزمندگان اسلام گردد. از آنجا که پس از عملیات کربلای ۵ و سقوط خط دفاعی شلمچه، عبور از سایر خطوط دفاعی ارتش بعثی در نقاط جبهه ها کار دشواری به نظر نمی رسید لذا قدرت های بزرگ به این نتیجه رسیدند که پیروزی نظامی ایران بر رژیم صدام حسین کاری دور از دسترس نیست. بنابراین از یک سو به سمت شورای امنیت سازمان ملل رفتند تا با صدور قطع نامه ای - که حداقل خواسته های ایران را در برداشته باشد - از احتمال

پیروزی قاطع ایران و نابودی رژیم صدام حسین جلوگیری نمایند و از سوی دیگر امریکا بر حضور نظامی خویش در خلیج فارس افزود تا با گشودن جبهه دریا به روی جمهوری اسلامی ایران، عملاً از پیروزی نظامی ایران بر صدام جلوگیری نماید. سیاست امریکا این بود که ایران برنده نشود و صدام هم بازنده نگردد.

شهادت عملیات

در این عملیات ۳۵۰ نفر از

فرماندهان رده های مختلف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جمله حسین خرازی - فرمانده دلاور و کم نظیر لشکر ۱۴ امام حسین (ع) که قبلاً در عملیات خیبر و در منطقه طلائیه دست راستش را در راه خداوند داده بود - و نیز حجت الاسلام و المسلمین شیخ عبدالله میثمی - مسئول دفتر نمایندگی امام در قرارگاه خاتم الانبیا (ص) - به شهادت رسیدند.

علل موفقیت عملیات

۱- غافل گیری استراتژیک دشمن: دشمن امکان انجام عملیات در این منطقه را به دلیل اجرای عملیات کربلای ۴ و نیز

استحکامات فوق العاده قوی خود در محور شلمچه غیرممکن می دانست. یعنی دشمن در "تفکر و در زمان" غافل گیر شد، اگرچه دشمن قبل از شروع عملیات در برخی از مناطق - مثل پنج ضلعی - آماده باش ۵۰٪ اعلام کرده بود.

۲- سرعت در آماده شدن برای انجام عملیات: دقیقاً دو هفته پس از ناکامی در عملیات کربلای ۴ این عملیات انجام شد. زمانی کمتر از یک ماه برای کسب آمادگی رزمندگان اسلام برای انجام عملیات جدید ضروری بود، زیرا ارتش بعثی پس از این مدت می توانست بلافاصله نقاط ضعف خود را بپوشاند و ایران را از دست یابی به منطقه شلمچه محروم کند.

۳- استفاده از موفقیت

عملیات کربلای ۴ با توجه به شکسته شدن خط دشمن در پنج ضلعی در جریان عملیات کربلای ۴ توسط لشکر ۵۷ ابوالفضل (ع) - که خداوند راه ورود به شلمچه را به رزمندگان اسلام نشان داد - از راه کار موفق مذکور استفاده شد. انجام عملیات کربلای ۴ این حسن بزرگ را داشت که مشخص شد دشمن در منطقه کربلای ۵ دارای نقطه ضعف بزرگی

تحلیل گران پتناگون - که معمولاً عزم، اراده و ابتکار ایرانی ها را در مقابل موانع عظیم دشمن کمتر از آنچه هست ارزیابی می کردند - دیگر احتمال پیروزی بزرگ تر ایران را رد نمی کردند و این با سیاست امریکا در آن زمان، "جنگ بدون برنده و بازنده" هم خوانی نداشت. امریکا پیروزی ایران را در جنگ تحمیلی یک فاجعه بزرگ می دانست و این نگرانی موجب شد که کمک های بیش تری را در اختیار رژیم صدام حسین قرار دهد و مانع پیش روی بیشتر رزمندگان اسلام گردد.

است. عراق در این منطقه دارای دژ بود که به صورت شمالی - جنوبی امتداد داشت. این دژ به موازات مرز و دقیقاً در امتداد خطوط مرزی احداث شده بود. زمان احداث این دژ به قبل از سال ۱۳۵۷ برمی گردد که عراق آن را در قالب استحکامات هلالی شکل برای مقابله با هر گونه تعرض احتمالی ساخته بود و موجب استفاده از ابتکاری تازه در تاکتیک عملیات کربلای ۵ گردید.

۴- استفاده از حجم سنگین آتش ها به صورت متمرکز.

۵- استفاده از کانال پرورش ماهی برای محور اصلی تک.

استراتژی نظامی دشمن پس از عملیات

۱- حفظ عمده قوای خود در جبهه جنوب و تجزیه نکردن قوای خود و منتقل نکردن آنها به جبهه های غرب.

۲- برنامه ریزی برای باز پس گیری سرزمین های تصرف شده از سوی ایران از جمله: فاو، جزایر مجنون، شلمچه و حلبچه.

۳- گسترش جنگ نفت کش ها در خلیج فارس با کمک برخی از کشورهای پشتیبان صدام -از جمله عربستان و امریکا - به طوری که در یک مورد جنگنده های ۱۵F عربستان به دو فروند فانتوم ۴F نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در آسمان خلیج فارس حمله کرده و آنها را سرنگون نمودند.

۴- حمله به سکوها، اسکله ها و جزایر نفتی ایران و تلاش برای قطع صادرات نفت ایران از طریق عملیات نظامی، بمباران های هوایی و پرتاب موشک های ضدکشتی و بمب های لیزری دقیق.

۵- استفاده وسیع از حضور ناوگان نظامی امریکا در خلیج فارس و حرکت امن هواپیماهای دشمن در آسمان منطقه در حضور ناوهای جنگی امریکا و حمله از آن طریق به تأسیسات نفتی ایران و شدت بخشیدن به جنگ نفت کش ها از سوی دشمن.

۶- تغییر تاکتیک های جنگی و انجام عملیات در نقطه ای خارج از منطقه عملیات ایران. مثلاً در جریان عملیات والفجر ۱۰ و پس از تصرف حلبچه توسط قوای ایران، دشمن عمده قوای خود را علیه نیروهای ایرانی به کار نگرفت، بلکه آنها را در جبهه جنوب حفظ نموده و به سراغ باز پس گیری مثلث فاو رفت.

۷- وسعت بخشیدن به جنگ شهرها و انجام اقدامات خلاف مقررات بین المللی بدون نگرانی از عواقب آن.

۸- حملات هوایی و موشکی به مراکز اقتصادی و نفتی جمهوری اسلامی در خلیج فارس.

۹- فعال شدن ناوگان نظامی امریکا در خلیج فارس و حمله آنها به قایق های تندروی سپاه با استفاده از بال گردهای آپاچی

و درگیر شدن با واحدهای شناور سپاه در کنار جزیره فارسی. ۱۰- استفاده وسیع تر از سلاح های شیمیایی و گسترش حمله با گازهای شیمیایی به غیرنظامیان.

واکنش های خودی پس از عملیات در برابر برنامه های

دشمن

۱- فعال شدن نیروی دریایی سپاه در عملیات مقابله به مثل در خلیج فارس به طوری که ظرف مدت اندکی حدود دوازده کشتی نفت کش و تجاری مربوط به کشورهای حامی صدام در مقابله با حمله هواپیماهای بعثی به نفت کش های عازم بنادر ایران، مورد تهاجم قرار گرفت.

۲- حمله به کشتی تجاری حامل پرچم شوروی در مقابله با تجهیز ارتش صدام از سوی شوروی.

۳- بر روی مین رفتن کشتی مارشال چخوف روسی که ناوگان نظامی شوروی آن را اسکورت می کرد.

۴- برخورد کشتی بریجتون در ۱۳۶۶/۵/۲ با مین های سرگردان که برای اولین بار به طور رسمی از سوی ۱۱ فروند ناو جنگی امریکایی اسکورت می گردید و به سمت بندر احمدی کویت در حرکت بود.

۵- تغییر استراتژی نظامی ایران و انتقال تمرکز حملات از جبهه های جنوب به غرب کشور و انجام عملیات کربلای ۱۰ در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۲۵ در محور ماووت و تغییر تاکتیک در ابتکار ایران به منظور دستیابی به اهداف مهم عراق در این منطقه و نیز کمک به تجزیه نیروهای دشمن و انتقال بخشی از نیروهای مستقر در جبهه های جنوب به سمت شمال، برای سبک تر شدن تراکم دشمن در جنوب که البته عراق با عدم انتقال نیروهایش از این موضوع سود جست.

بعد از عملیات کربلای ۵ دیگر منطقه مناسبی در جبهه های جنوب برای استفاده از ابتکارات جدید و تصرف منطقه وجود نداشت؛ زیرا رزمندگان اسلام از منطقه شبه جزیره آبادان تا منطقه هور را عملیات کرده بودند و دیگر زمین مناسبی برای به کارگیری آن علیه دشمن وجود نداشت. و اگر قرار بود عملیاتی در این مناطق صورت گیرد رزمندگان اسلام به جای تک

احاطه ای و دور زدن دشمن، مجبور بودند که از تک جبهه ای استفاده کنند که در این صورت، موفقیت عملیات زیر سؤال می رفت سپاه از عملیات های رمضان و والفجر مقدماتی به این نتیجه رسیده بود که به هیچ وجه نباید در جایی جنگید که به جز تک جبهه ای، راه کار دیگری وجود نداشته باشد. این امکان در تک احاطه ای برای رزمندگان اسلام وجود داشت تا به جای رو در رویی مستقیم با دشمن بتوانند به صورت احاطه ای و دور زدن و قیچی کردن نیروهای دشمن، وارد درگیری و نبرد باوی شوند. وقتی عملیات کربلای ۵ به پایان رسید، با مطالعه زمین های جبهه جنوب مشخص شد که دیگر هیچ زمین قابل استفاده ای برای انجام تک احاطه ای وجود ندارد و این به معنای بن بست در جنگ و عدم امکان نبرد رو در روی با دشمن بود.

اقدامات نظام بین الملل علیه جمهوری اسلامی ایران

در راستای سیاست امریکایی "جنگ بدون برنده و بازنده" تصمیمات و اقدامات بین المللی زیر برای جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ صورت گرفت:

۱- فشار به ایران در خلیج فارس برای قطع صدور نفت ایران با کمک حضور ناوگان نظامی امریکا در خلیج فارس.

۲- واگذاری تسلیحات پیشرفته برای افزایش برد عملیاتی نیرو هوایی عراق از جمله واگذاری هواپیماهای میراژ ۲۰۰۰-F1 و بمب های لیزری برای عملیات در خلیج فارس تا تنگه هرمز. ۳- عدم اجازه به ایران برای مقابله به مثل با کمک ناوهای امریکایی در خلیج فارس.

۴- تحویل هواپیما و موشک هایی به صدام که بتواند تا عمق ایران را هدف قرار دهد و جنگ شهرها را توسعه دهد و از جمله بتواند تهران را مورد حمله قرار دهد.

۵- پایین آوردن قیمت نفت به کمتر از ده دلار و کاهش شدید منابع تأمین کننده نیازهای جنگ.

۶- اعمال شرایط سخت در مسیر صادرات نفت ایران و نخريدن نفت آن که موجب شد کسری بودجه دولت به حدود ۵۰٪ برسد.

۷- تقویت نظامی بیشتر صدام از سوی امریکا، شوروی و

فرانسه.

۸- شکل گیری اتحادی نانوشته به سود صدام و اعلان غیررسمی جنگ از سوی ناوگان نظامی امریکا در خلیج فارس علیه ایران با همکاری شوروی و فرانسه.

جمع بندی

عملیات کربلای ۵ که هم زمان با سالگرد قیام مردم قم علیه رژیم شاهنشاهی و بارمز یا فاطمه زهرا (س) آغاز شد، مهم ترین عملیات در سال ۱۳۶۵ بود که ضربه بسیار مهلکی بر استعداد و توان رزمی روه به افزایش ارتش بعثی صدام وارد آورد.

پیروزی رزمندگان اسلام در این عملیات با توجه به امکاناتی که در اختیار داشتند و نیز با توجه به توان نظامی عظیمی که دشمن از آن برخوردار بود، غیر قابل باور و یک پیروزی استراتژیک به شمار می آمد. البته این عملیات هم پر هزینه و هم پر تلفات بود به طوری که گفته می شود که در این عملیات حدود ۳۰ هزار نفر به شهادت رسیده و یا زخمی شدند. اجرای عملیات کربلای ۵ نشان داد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قدرت اتخاذ ابتکار عمل مناسب در شرایط سخت را در اختیار دارد و می تواند از خلاقیت فرماندهان خود برای شکستن خطوط مستحکم دشمن استفاده کند، انعطاف لازم را در سازمان خود برای انجام عملیاتی ویژه و پیچیده به وجود آورد و از پذیرش ریسک در شرایط ضرورت ابایی نداشته باشد. از سوی دیگر این عملیات نشان داد که عمده توانایی دشمن در کسب پشتیبانی های قدرت های شیطانی و سلطه گر نهفته است و راه رسیدن به پیروزی توکل بر خدای بزرگ، نترسیدن از دشمن و امید به نصرت الهی است و به تعبیر امام خمینی (ره): "نصرت کنید خدا را نصرت کند شما را".

منابع:

- ۱- مصاحبه با پایگاه اینترنتی بازتاب، هفته دفاع مقدس، سال ۱۳۸۵ برابر گزارشات موجود ۲۷۰ گردان نیرو وجود داشت که ۴۰ گردان آن به کار گرفته شد.
- ۲- مصاحبه آقای روغنی زنجان با روزنامه ایران مورخ